

اتحاد بزرگ

شماره ۵۷ سه شنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

برابری کامل زنان و مردان کشور در برخورداری
از حقوق سیاسی و اجتماعی و همسانی آنان در پیشگاه
قانون باید فراهم آید
حزب ملت ایران

میزان رأی
ملت است
امام خمینی

روش‌های «رستاخیزی» وزارت کشور

بروانه فروهر

تعبیر سرپرست وزارت کشور، پس از تعویض ۶۷

مقام استانداری، فرمانداری و بخشداری و اعمال نظر

کامل حزب جمهوری اسلامی و جانشین کردن یکی

دیگر از عضوهای برجسته‌ی آن حزب که ضامن مسئولیت

کمیته‌ها را نیز بعهده دارد چگونه گامی در راه بی طرف

نمودن وزارت کشور در نظارت بر انتخابات مجلس

شورای ملی تلقی خواهد شد!

پس از پیروزی انقلاب دستگاه‌های حکومتی ایران که در ابعاد مختلف و به گونه‌های متفاوت و گاه متضاد وجود داشته به مسیر سازش و محافظه‌کاری گام برداشتند. و بدین سخن انقلاب ما از قاطعیت انقلابی بازماند و بجای طرح و تکمیل برنامه‌های سازندگی و پایان دادن به نابسامانی‌ها و ناتوانی‌ها ناسی از فرو ریختن نظام فاسد پهلوی دولت و شورای انصاف و دیگر نهاد های انقلابی همی نیروی خود را صرف تصرف عرصه بیشتر اهرام‌های قدرت و بدست آوردن پایگاه‌های اجرایی کردند و در این راه از هیچ انحصارطلبی و کج اندیشی و بدکاری دریغ ننمودند بطوریکه هنوز چندی از پیروزی انقلاب نگذشته مردم را متوجه کابوسی که در راه بود کردند.

پس از پیروزی، بجای یک سازمان

مشکل و هم‌آهنگ‌گرایی، قانون‌های متعدد و مستقل قدرت تکمیل گردید، سازمانی از راه رسید و پسر دادرس و تلویزیون و دیگر رسانه‌های گروهی حاکم شد

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

توا پرستش می‌کنم و از تو یاری می‌جویم

ای آریدگار پاک!

ارتش و تصفیه

افراد که کمترین سابقه خدمت در ارتش را ندارند تا دیروز هم‌آواز با کسانی بودند که دم از خلیج عربی می‌زدند و هم‌آهنگون نیز برای حفظ دوستی هم‌آنها از بردن نام خلیج فارس ابا دارند قلم را برداشته و بدون بررسی ۸۵۰۰ نفر از پرسنل ارتش را اخراج و تعدادی را باز خرید و بازتنسب نمودند. عجیب آنکه آدم برای پاره کردن عنوانه هم بیشتر وقت صرف می‌کند که آقایان برای یک چنین اقدام مهمی! و زمانی حرف‌های ما باقیات می‌رسد که در روزنامه‌ها می‌خوانیم: «پرونده افراد اخراجی ارتش مجدداً بررسی و تعدادی از آنها به سر کار باز خواهند گشت.» «۷۰۰ نفر از اخراجی‌های اخیر ارتش بقیه در صفحه ۴»

آرزوهای بزرگ و اتاق کوچک و قناس

کودک داشت و دردی به یک دالان، سه‌ضلع بیشتر نداشت. و اگر ضلع چهارمی داشت چندان کوچک بود که به حساب نمی‌آمد. وقتی پنج شش نفر در آن می‌چیدند نفس‌هایشان با هم قاطی می‌شد. و ما که در آن دوران نفس‌های گرم، آرزوهای جوان و امیدهای پرتردید داشتیم حس می‌کردیم چند قاره به راحتی در این اتاق کوچک جای می‌گیرد. از ایران حرف می‌زدیم، معبود و معسوق ما ایران بود. وقتی از ایران حرف می‌زدیم سرسبزی جنگل‌های شمال و سوزندگی کویرهای خشک، با امیدها و ناکامی‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌های ملک و ملتمان در این پنج حرف خلاصه می‌شد. ایران، مثل خون در رگ‌های ما دور میزد و به ما شور و حرارت و قدرت می‌بخشید. از آن اتاق مستقیماً برقله‌ی مخروطی‌مانند قدم می‌گذاشتیم تا آفتاب را از آسمان به‌زیر آوریم و آنرا بین مردم ایران تقسیم کنیم. نگاه ما از دریچه‌ی همیشه بسته‌ی آن اتاق می‌گریخت و اوج می‌گرفت و به صحراهای دور می‌رسید و به سنگ‌ریزه از خاک ایران بوسه می‌زد... باغ‌های ایران، قالی‌های ایران، مینیاتوره‌های ایران، دلاوران ایران، دانشمندان و شاعران ایران، پهلوانان انسان‌های ایران و مردم ساده و پاک‌طیبت و درد کشیده‌ی ایران و هرچه خوبی و حسن در این ملک بوده و هست مثل یک بت در برابر ما می‌نشست. ایران برای ما یک سرزمین نبود. غذا بود. هوا بود. زندگی بود. حرارت بود. نور بود. و ما همه چیز را برای این سرزمین خدایی

فرمانداری طرف!

همه می‌دانند که جناب سرپرست تبتلی وزارت کشور با عومی کردن ۶۲ استاندار و فرماندار و بخشدار و جایگزینی یاران حزبی و صدور فرامین خصوصی پیرامون چگونگی اعمال نفوذ، همه‌ی وسایل را برای آزاد و بی طرف آماده کردند و جانشین خلف ایشانیم بطور دقیق دنباله‌رو سرپرست قبلی استمی-گوئید نه، بسم‌الله.

نامزدهای حزب ملت ایران برای نمایندگی مجلس شورای ملی

- پروانه فروهر (مجدد اسکندری) ۳۴۶
- دکتر عبدالکریم انواری ۵۱
- دکتر بهروز برومند ۶۶
- خسرو سبف ۲۱۰
- حاجعلی صدری ۲۳۲
- اسماعیل فاضل‌پور ۲۸۰
- ابراهیم کریم‌آبادی ۳۱۷

ایران را از یاد نبرید، به یاری ایران بیایید و به نامزدهای حزب ملت ایران برای نمایندگی مجلس شورای ملی رای دهید

و در همین شاهد باشیم. صحنه‌های روزانه کشمکش و خشونت و صیف آزادی برای بدست آوردن اکثریت در بنیاد های قانونی از راه تلب و حیل و اعمال خشونت و دسیسه بازی را نظاره می‌کنیم. قدرت‌های اجرایی و قانونی در دست یک گروه خاص تازه از گرد راه رسیده قرار گرفته است. و چه زشت است که هرگاه به رفتار های چندش آور آنان می‌اندیشی، دوران رستاخیز و رفت و آمد های پر زرق و برق آنها را بخاطر می‌آوری، با تمامی تهدیدها و تمهیدها و تلمیح‌ها!

تگاهی گذرا به رویداد های همین پس بقیه در صفحه ۴

مضمون دست و پا شکسته‌ی از یک شاعر غربی در خاطرم هست که می‌گوید:

از دریچه می‌بینم که برف می‌بارد و من در اندیشه‌ی برفی هستم که پارسال باریده بود.

برف می‌بارد

اما برف پارسال بود!

آن اتاق قناس خیابان هدایت هنوز بجای خود هست. اما روزهای پرشور و شری ما را در این اتاق دور هم جمع می‌کرد سی سال از ما فاصله گرفته. هرگز باز نمی‌گردد. اتاق پنج‌رهای رو به

از فاجعه گنبد نگذریم

پاره کردن پیکر انسانها و رها کردن آن در بیابانهای کشور، حادثه‌ای نیست که بتوان از آن آنهم پس از فروریختن رستگانه فاجعه‌آفرین استبداد گذشت. بر ما چه زنده است که آرام و بی‌خیال حادثه‌های این چنین را می‌نگریم، حادثه گنبد، یا به عبارتی روشنتر و زنده‌تر، فاجعه عظیم و تاریخی گنبد، نشانهای از نارسائی اخلاقی و عاطفی، و حکامانی از اضحلال جوانمردی و همت، و سندی بر زورم شکسته شدن نظام قضایی و روح عدالتخواهی ما است. این فاجعه عظیم، یادمانی است که انقلاب ما را در پیشگاه تاریخ سزاگند می‌سازد. این فاجعه عظیم، غرور اخلاقی ما را فرو می‌کوبد، وعزت و شوکت روانی ما را از هم می‌پاشد. این فاجعه عظیم، اعتماد ما را به خویشین، و حثایت ما را در مسیر تاریخی خود متزلزل می‌سازد. در گذرگاه تاریخ، حواشی و لحظاتی پدید می‌آیند که سچای ملت‌ها را شکل می‌بخشند، و بر ملت‌ها غرور و افتخار و پسا شرم و انکسار می‌آفرینند. صلابت و ارج ملت‌ها هم در این لحظات جلوه‌گری می‌کند. فاجعه گنبد یکی از این حادثه‌ها است، فاجعه گنبد، راه‌آوردی جز شرم ندارد. فاجعه گنبد در ملت ما خصلت ستم‌پذیری می‌نشانند. صلابت و ارج ملی ما می‌باید در برابر این فاجعه به‌جلوه درآید. هیچ توضیحی و هیچ توجیهی، زشتی این فاجعه را نمی‌شوید.

بر ما است، بر مردم آزاده و فرزانه این سرزمین است، که از این فاجعه روزنگارند. و آن را بگلونه و هرکسی را که رستی در این گناه داشته است، بشناسند و به‌سزایی روزخور برسانند. فقط از این رهگذر ارج انقلاب اسلامی ما و صلابت روانی و اخلاقی ما، به‌جا خواهد ماند و گرنه، اتهام سستی و ستم‌پذیری بر ما روا خواهد بود.

در این مهلکه بدبختی، نظام قضایی کشور، تکلیفی سنگینتر از دیگران برعهده دارد. خاموش ماندن نظام قضایی کشور، در برابر این فاجعه، گناهی است بسیار بزرگ. نظام قضایی ما با پرده برکشیدن از این فاجعه، احترامی فراوان بر خود خواهد خرید. مردانی که بر مسئله قضا نشسته‌اند، و زای عدالت به‌خوشی پیچیده‌اند. می‌باید که هرچه از فضل و بزرگواری و مردمی اندوخته‌اند، به میان آورند و گناهکار را، هرکس که باشد، و به‌راستی‌های که باشد، نقاب از چهره برگینند و به‌طریقی شایسته به دادرسی بسپارند. در این رهگذر نباید که از هیچ خطر هراس بدل راه دهند. مردم ایران بسا پشتوانه‌ی جنول ارزش‌های انسانی انقلاب و قدرت تاریخ و اخلاق پشتیبان ایشان‌اند.

«بنیاد ستم در جهان اندک بود و رفته رفته بر آن افزودند تا به این پایه رسید که جهان را ستم فراگرفته است. و اگر باسکوب دامنه ستم را بازهم گسترش دهیم، موجی برپا خواهد خاست، که خشک و تر بسوزاند، و جز ویرانی و تباهی برجای نهد. پیش از آنکه چنین شود، به‌خود آئیم و ستم را، و ستمگر را سرکوب کنیم. فرادگه پیشگاه حقیقت شود پدید. شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

اطلاعیه	
هم میبمان:	سرتیپ بازنشسته ناصر مجملی
حزب ملت ایران:	خسرو شامانی
معرفی نامزد های خود برای نمایندگی مجلس شورای ملی، پس از بررسی های لازم، تصمیم گرفته است از نامزدی بعضی شخصیت های سیاسی و مذهبی وفادار به انقلاب اسلامی ملت ایران، سراندار از امکان وجود تفاوت در بنیاد های فکری، پشتیبانی نماید که نام آنها برای آگاهی امکان در زیر آورده می شود.	حجت الاسلام غلامحسین حق
سازگاری:	ذبیح‌الله پورفر
سازگاری:	حسن انصاری
سازگاری:	منصور رضایی
سازگاری:	حجت الاسلام حاج سید یونس عرفانی
سازگاری:	شاپور قشقایی
سازگاری:	حجت الاسلام محمد امامی کاشانی
سازگاری:	ظاهر احمد زاده
سازگاری:	حضرت ملا رحیم عباسی
سازگاری:	دکتر مهران فشارگی
سازگاری:	برای افزایش شمار نامزد های حزب ملت ایران در شهرستان تهران تصمیم جداگانه گرفته خواهد شد.
سازگاری:	بیستم اسفند ماه ۱۳۵۸
سازگاری:	دبیرخانه حزب ملت ایران
سازگاری:	نام نامزد های حزب ملت ایران در شهرستان ها
سازگاری:	آبادان
سازگاری:	اسلام‌آباد
سازگاری:	اصفهان
سازگاری:	اوز سفارس
سازگاری:	اهواز
سازگاری:	بوشهر
سازگاری:	تبریز
سازگاری:	تربت جام
سازگاری:	تفت یزد
سازگاری:	دژن همدان
سازگاری:	سوشت
سازگاری:	شهرضاى اصفهان
سازگاری:	شیروان
سازگاری:	فریدن - داران
سازگاری:	قائم‌شهر
سازگاری:	قزوین
سازگاری:	کرمانشاه
سازگاری:	کوهدشت
سازگاری:	سعدات
سازگاری:	مشهد
سازگاری:	نوشهر
سازگاری:	سوراین
سازگاری:	همدان
سازگاری:	یزد
سازگاری:	یادآوری: هیات اجرایی انتخابات حوزه شهرستان بساوه علی اصغر بوباش، نامزد نمایندگی حزب ملت ایران را واجد شرایط قانونی ندانسته است و تاکنون اعتراض به این تخلف نیز به جایی نرسیده است.

نامزدهای نمایندگان مجلس شورای ملی در شهرستانها

مهدی حاتم پور



مهدی حاتم پور در سال ۱۳۲۴ در شهر یزد در خانواده‌ای مسلمان دیده به جهان گشود در سن یازده سالگی پس از فوت پدر، زندگی مستقل و بدون تکیه‌گاه خود را آغاز نمود و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش یزد به پایان رساند و پس از پایان خدمت سربازی در مسابقه ورودی دانشکده (فلسفی) موفقیت حاصل نمود ولی به علت جوی که آن هنگام بر ارتش حکمفرما بود از پیوستن به آن انصراف یافت و با وجود استعداد و علاقه‌ای که به تحصیل داشت به علت تعهدات زندگی و وجود افراد تحت تکفلش ناگزیر بکار پرداخت و بطور موقت تحصیل را رها نموده و وارد وزارت دارایی گردید و در یزد به خدمت مشغول شد.

سختی از ناحیه سرو دست زخمی و در بیمارستان بستری شد. خسرو خسروی از نخستین روز های اوج گرفتن مبارزه ملی هم، جا همراه یاران حزب ملت ایران به پیکار ادامه داد و در مهرماه سال ۱۳۵۷ به علت نوشتن نامه‌ای به ارتشید از مقامی نخست وزیر بار دیگر توسط حکومت نظامی بازداشت شد. خسرو خسروی پس از آزادی در زادگاه خود مبارزه مسلحانه را آغاز نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران در سال ۱۳۵۸ سازمان حزب ملت ایران را در استان لرستان بنیاد نهاد و از سوی رهبر حزب ملت ایران داریوش فروهر به دبیری این سازمان گمارده شد.

اسفندیار درویش



اسفندیار درویش در سال ۱۳۱۸ در خانواده‌ای ریشه‌دار و مسلمان که به علت مخالفت با خاندان منقور پهلوی از زندان به قزوین تبعید شده بودند در این شهر تولد یافت پس از وقوع شهریور ۱۳۲۰ همراه با خانواده خود به مازندران مراجعت کردند اسفندیار درویش تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این استان به پایان رسانید و در همین هنگام با آرمانهای حزب ملت ایران آشنا شد.

در سال ۱۳۴۰ به عنوان آموزگار و سپس مدیر دبستان کاوه گلندرد نوسر به خدمت آموزشی مشغول گردید و پس از چندی برای ادامه تحصیلات عزم آلمان غربی شد و در مدت ده سال دوره‌های تخصصی و مسائل نقلیه از کارآموزی-استاد کاری و مهندسی را گذراند و در تمام دوران تحصیل با کوشش و کار هزینه تحصیل خود را فراهم میگرد و در تمام دوران اقامت در خارج در صف دانشجویان ملت‌گرا علیه نظام استبدادی وابسته به بیگانه و جنایتکاران آنان مبارزه و فعالیت داشت.

او در سال ۱۳۵۱ به همین بازگشت و در گسترش آموزشهای حرفه‌ای و در آگاه سازی و بالا بردن اطلاعات فنی کارگران و کشاورزان کوشش بسیاری نمود و طرحهای گوناگونی برای بهبود کار صندوق کسار آموزی ارائه نمود. مهندس اسفندیار درویش همیشه در سنگرمین پرستان جای داشته و در راه به نمرسین انقلاب اسلامی ملت ایران کوشش فراوان نمود و با پیروزی انقلاب به سرپرستی صندوق کار آموزی وابسته به وزارت کار گمارده شد و در سامان دادن به این سازمان ارزنده آموزش حرفه‌ای کوششهای دانشمندی را نمود.

محمد حسن نائینیان



محمد حسن نائینیان در سال ۱۳۰۴ در شهر همدان در خانواده‌ای با ایمان متولد گردید دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش همدان گذراند

و سپس به تهران آمد و وارد دانشکده حقوق گردید. محمد حسن نائینیان در سال ۱۳۳۴ از دانشگاه تهران موفق با درجه لیسانس در رشته حقوق گردید در سال ۱۳۳۹ در موسسه علوم اجتماعی گذراند دوره فوق لیسانس را شروع نمود. محمد حسن نائینیان خدمت آموزشی خود را از آغاز جوانی شروع نمود و مراحل مختلف را از آموزگاری - دبیری - ریاست دبیرستان تا ریاست فرهنگ پست سر گذشت. با تمام جدایی و اخلاص در خدمت مردم یون و در سرباهی سیاه دیکناتوری با تمام فشار در کنار خدمت آموزشی خود مبارزه سیاسی را برضد استبداد و استعمار ادامه داد و محرومیت‌های فراوانی را تحمل کرد و برای پرورش و آموختن نوجوانان ایران بخصوص زاده‌ها خود همدان مدت ۳۰ سال کوشش صادقانه نموده است و در برابر همه دشواریها و ناکامیهای کسه گماشتن ساواک برای او بوجد آورده ایستادگی نمود و لحظه‌ای دست از مبارزه نکشید محمد حسن نائینیان با اوج گیری حرکتی انقلابی در ایران دوشادوش مردم همدان به مبارزه خود گسترش داد و در عین هنگام با آرمانهای حزب ملت ایران آشنا شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران محمد حسن نائینیان با پیوستن به نهادهای مردم در برقراری نظم کوشش بسیار کرد و اکنون نامزد نمایندگی حزب ملت ایران از همدان و از پشتیبانی همشهریان قدرشمار خود برخوردار می‌باشد.

دکتر عباس خاقانی



در چهارم دیماه ۱۳۱۳ در روستای نیور ۱۱ کیلومتری مملات در خانواده‌ای مسلمان دیده بر جهان می‌گشاید. او نواده حاج میرزا حبیب‌الله خاقانی (سلطان-الکتاب) عارف و شاعر و خوش نویس بزرگ است و از سوی مادر از خاندان روحانی آقا سید محمد و آقا سید مرتضی رضوی است.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان ادب تهران به پایان رسانید. در کودکی شاهد وقایع شهریور شوم ۱۳۲۰ و اشغال کشور بوسیله قوای بیگانه بود. نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و تظاهرات روزمره مردم رنجیده این سرزمین دربردارنده دبیرستان که با محل سکونت او فاصله چندانی نداشت تأثیر عمیقی در روحیه او گذاشت.

دانش آموز دبیرستان علمیه تهران بود که با فعالیت‌های سیاسی یک گروه ملت‌گرا آشنائی پیدا کرد و به «مکتب» پیوست. همراه مبارزان وطن‌خواه به نشر اندیشه‌های ملت‌گرایانه پرداخت و روزنامه دانش‌آموز ارگان سازمان دانش آموزان ملی را بکام دوستان منتشر نمود. او با نوشتن مقالات و تأکید در وحدت نقش سازنده‌ای در تشکیل دانش آموزان ایفا کرد در یکم آبانماه ۱۳۳۰ «مکتب» به «حزب ملت ایران» تبدیل میگردد و عباس خاقانی از نخستین افرادی است که فعالیت سیاسی خویش را در حزب آغاز میکند.

در اوج نهضت ملی تابستان صنعت نفت و نخستین تظاهرات دانش آموزان دانشجویان ملی در روز نهم دیماه ۱۳۳۰ یکسای از گردانندگان این راه‌پیمائی پسر شکوه و تاریخی بود. در جریان کوشش برای آئین یکمین سال خلع یزد از استعمارگران در ۲۹ خرداد ۱۳۳۱ از سوی نیروهای انتظامی زیر نفوذ شاه و درباریان فاسد که سعی در برهم-

زدن آن داشتند به ضرب سر نیزه مجروح و بوسیله زندیاد جهان پهلوان غم‌رضا مدنی به بیمارستان تیسیر خورسید انتقال می‌یابد و زنده می‌ماند، رودا در مدیون این عقیقه فرمان میداند. در سیام بزم ماه این روز سرنوشت ساز از پی روزهای خوبتر همه چه در کتب مبارزان و در نظراتی که در میدان بهارستان از سوی داریوش فروهر رهبری میشد بود.

فاجعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزی سیاه و توم برای ملت ایران است در این روز همراه باستانان حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر با نیروهای نظامی تا پای جان می‌جنگد روزی که به روستای های تهران پر از مبارزان زخمی است، روزی فراوانی نشدنی که داریوش فروهر را سراپا خوئین به بیمارستان نجهیه برد- روز بعد پس از فراز از بیمارستان و تشکیل ستد پنهانی حزب ملت ایران روز یکم شهریور ماه نخستین اعلامیه ضد کودتا، به امضای داریوش فروهر را بیاری دیگر همزمان چاپ و پخش میکند. عباس خاقانی که تحت تعهد میب نیروهای شهبانی و فرمانداری-زانی بود به خوزستان میرود و مبارزه را ادامه میدهد. در نهمین مقاومت ملی، در تظاهرات خیابانی بر علیه انعقاد قرارداد سوسیوم، تظاهرات بر علیه پیمان ننگین « بغداد» جریان حمله امپریالیست روسیه-سوویتها به کانال سوئز همجا در کنار یاران مبارز است.

در سال ۱۳۳۹ به تهران می‌آید و در دانشکده حقوق و علوم سیاسی تحصیل میگردد. جنبه ملی دوم تکمیل میگردد و دانشگاه تهران صحنه مبارزات و فعالیت‌های مبارزان جنبه ملی پیار را دنبال میکند. در این سالها فرصتی است تا پژوهشهای چند ساله خود را پیرامون مبارزه ملت‌های دیگر به رشته تحریر در آورد.

نهضت جمال عبدالناصر در مصر و حرکتی که در جهان عرب (عراق و سوریه) پدید آمده و مبارزات سزاکارو دودان و نژی یاتریس لوامیا در کنگو مورد علاقه او است و سر انجام در سال ۱۳۴۰ موفق به انتشار جزوه‌ای زیر نام «مبارزان جنبه آزادیبخش-الجزایر اف‌الان» میشود. پیش از همه پرسش ششم بهمن عباس خاقانی بهرراه دانشجویان ملی و مبارزه دستگیر و در کتف رهبران جنبه ملی در بازداشتگاه قصر زندانی میشود. پیش از دستگیری در تظاهرات «معدنی» شرکت داشت.

پس از آزادی زندان در سال ۱۳۴۴ موفق با درجه لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه تهران میگردد و در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بعنوان پژوهشگر بکار می‌پردازد و تا سال ۱۳۵۱ که ناچار بخارج از کشور رفت در تحقیقات متعددی پیرامون مسائل شهری (اجاره - نشینی در تهران، قالی بافی در ایران، آموزش و پرورش، کود نشینی و حاشیه نشینان شهرها، طرح سواد آموزی حرفه‌ای و سپاهیان دانش) بطور مستقل و با همکاری با دیگر محققان شرکت داشت و این فرصت بود تا ضمن آشنائی با مذهب مجروح و ستمدیده ایران از آذربایجان و خراسان تا بلوچستان و خوزستان گوشه‌ای از نابسامانی‌ها را در این آثار روشن نماید. با افزایش فشار و اختناق از سوی پلیس ساواک و جلوگیری از انتشار بسیاری از مطالعات انجام شده در موسسه تحقیقات که امکان کار و تحقیق در عمل از همه سلب شده بود برای ادامه تحصیلات به امریکا رفت و در رشته علوم اجتماعی به تحصیل پرداخت در نیویورک با دانشجویان مبارز سایر کشور های جهان سوم آشنا شد و همراه خانم ابتهاج عرفات استاد «سیسی کالج» و مبارزان فلسطینی و ایرانی و سووری و مصری در شناسائی اسلام به مردم امریکا همکاری نزدیک داشت.

عباس خاقانی در سال ۱۹۷۳ رساله‌ای تحت عنوان «اسلام راستین» به زبان انگلیسی به رشته تحریر در آورد. پس از گذراندن دوره فوق لیسانس جامعه شناسی به پاریس آمد و رساله دکتری خود را در استادی ژاک برک اسلام شناس بزرگ فرانسه و رئیس دپارتمان جامعه شناسی اسلامی گذراند.

دکتر عباس خاقانی پس از اخذ دکتری جامعه شناسی سیاسی در تیر ماه ۱۳۵۷ به ایران باز میگردد و همه جا در کنار دیگر مبارزان دسرنگونی نظام استبدادی وابسته به بیگانه فعالانه شرکت مینماید. در انقلاب اسلامی ملت ایران، در میان دانشگاهیان و دانشجویان چهره‌های شناخته شده دارد و پس از پیروزی انقلاب به فرمان الله یار روئین تن

فاجعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزی سیاه و توم برای ملت ایران است در این روز همراه باستانان حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر با نیروهای نظامی تا پای جان می‌جنگد روزی که به روستای های تهران پر از مبارزان زخمی است، روزی فراوانی نشدنی که داریوش فروهر را سراپا خوئین به بیمارستان نجهیه برد- روز بعد پس از فراز از بیمارستان و تشکیل ستد پنهانی حزب ملت ایران روز یکم شهریور ماه نخستین اعلامیه ضد کودتا، به امضای داریوش فروهر را بیاری دیگر همزمان چاپ و پخش میکند. عباس خاقانی که تحت تعهد میب نیروهای شهبانی و فرمانداری-زانی بود به خوزستان میرود و مبارزه را ادامه میدهد. در نهمین مقاومت ملی، در تظاهرات خیابانی بر علیه انعقاد قرارداد سوسیوم، تظاهرات بر علیه پیمان ننگین « بغداد» جریان حمله امپریالیست روسیه-سوویتها به کانال سوئز همجا در کنار یاران مبارز است.

ابراهیم اقبال آل آقا

ابراهیم اقبال آل آقا در سال ۱۳۰۸ در گرمانشاه متولد شد. در خانواده‌ای با ایمان و بنیامینه پرورش یافت پدرش از فرهنگیان برجسته و از مردان ملی پرور دکتر مصدق بود که در دوره هفدهم مجلس شورای ملی نماینده گرمانشاه شد و در راه تقوی آرمانهای دکتر مصدق کوشش و یابردی بسیار نمود.

دکتر عباس خاقانی پس از اخذ دکتری جامعه شناسی سیاسی در تیر ماه ۱۳۵۷ به ایران باز میگردد و همه جا در کنار دیگر مبارزان دسرنگونی نظام استبدادی وابسته به بیگانه فعالانه شرکت مینماید. در انقلاب اسلامی ملت ایران، در میان دانشگاهیان و دانشجویان چهره‌های شناخته شده دارد و پس از پیروزی انقلاب به فرمان

الله یار روئین تن

فاجعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزی سیاه و توم برای ملت ایران است در این روز همراه باستانان حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر با نیروهای نظامی تا پای جان می‌جنگد روزی که به روستای های تهران پر از مبارزان زخمی است، روزی فراوانی نشدنی که داریوش فروهر را سراپا خوئین به بیمارستان نجهیه برد- روز بعد پس از فراز از بیمارستان و تشکیل ستد پنهانی حزب ملت ایران روز یکم شهریور ماه نخستین اعلامیه ضد کودتا، به امضای داریوش فروهر را بیاری دیگر همزمان چاپ و پخش میکند. عباس خاقانی که تحت تعهد میب نیروهای شهبانی و فرمانداری-زانی بود به خوزستان میرود و مبارزه را ادامه میدهد. در نهمین مقاومت ملی، در تظاهرات خیابانی بر علیه انعقاد قرارداد سوسیوم، تظاهرات بر علیه پیمان ننگین « بغداد» جریان حمله امپریالیست روسیه-سوویتها به کانال سوئز همجا در کنار یاران مبارز است.

پس از آزادی زندان در سال ۱۳۴۴ موفق با درجه لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه تهران میگردد و در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بعنوان پژوهشگر بکار می‌پردازد و تا سال ۱۳۵۱ که ناچار بخارج از کشور رفت در تحقیقات متعددی پیرامون مسائل شهری (اجاره - نشینی در تهران، قالی بافی در ایران، آموزش و پرورش، کود نشینی و حاشیه نشینان شهرها، طرح سواد آموزی حرفه‌ای و سپاهیان دانش) بطور مستقل و با همکاری با دیگر محققان شرکت داشت و این فرصت بود تا ضمن آشنائی با مذهب مجروح و ستمدیده ایران از آذربایجان و خراسان تا بلوچستان و خوزستان گوشه‌ای از نابسامانی‌ها را در این آثار روشن نماید. با افزایش فشار و اختناق از سوی پلیس ساواک و جلوگیری از انتشار بسیاری از مطالعات انجام شده در موسسه تحقیقات که امکان کار و تحقیق در عمل از همه سلب شده بود برای ادامه تحصیلات به امریکا رفت و در رشته علوم اجتماعی به تحصیل پرداخت در نیویورک با دانشجویان مبارز سایر کشور های جهان سوم آشنا شد و همراه خانم ابتهاج عرفات استاد «سیسی کالج» و مبارزان فلسطینی و ایرانی و سووری و مصری در شناسائی اسلام به مردم امریکا همکاری نزدیک داشت.

عباس خاقانی در سال ۱۹۷۳ رساله‌ای تحت عنوان «اسلام راستین» به زبان انگلیسی به رشته تحریر در آورد. پس از گذراندن دوره فوق لیسانس جامعه شناسی به پاریس آمد و رساله دکتری خود را در استادی ژاک برک اسلام شناس بزرگ فرانسه و رئیس دپارتمان جامعه شناسی اسلامی گذراند.

دکتر عباس خاقانی پس از اخذ دکتری جامعه شناسی سیاسی در تیر ماه ۱۳۵۷ به ایران باز میگردد و همه جا در کنار دیگر مبارزان دسرنگونی نظام استبدادی وابسته به بیگانه فعالانه شرکت مینماید. در انقلاب اسلامی ملت ایران، در میان دانشگاهیان و دانشجویان چهره‌های شناخته شده دارد و پس از پیروزی انقلاب به فرمان

الله یار روئین تن

فاجعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزی سیاه و توم برای ملت ایران است در این روز همراه باستانان حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر با نیروهای نظامی تا پای جان می‌جنگد روزی که به روستای های تهران پر از مبارزان زخمی است، روزی فراوانی نشدنی که داریوش فروهر را سراپا خوئین به بیمارستان نجهیه برد- روز بعد پس از فراز از بیمارستان و تشکیل ستد پنهانی حزب ملت ایران روز یکم شهریور ماه نخستین اعلامیه ضد کودتا، به امضای داریوش فروهر را بیاری دیگر همزمان چاپ و پخش میکند. عباس خاقانی که تحت تعهد میب نیروهای شهبانی و فرمانداری-زانی بود به خوزستان میرود و مبارزه را ادامه میدهد. در نهمین مقاومت ملی، در تظاهرات خیابانی بر علیه انعقاد قرارداد سوسیوم، تظاهرات بر علیه پیمان ننگین « بغداد» جریان حمله امپریالیست روسیه-سوویتها به کانال سوئز همجا در کنار یاران مبارز است.



مهدی حاتم پور در سال ۱۳۲۴ در شهر یزد در خانواده‌ای مسلمان دیده به جهان گشود در سن یازده سالگی پس از فوت پدر، زندگی مستقل و بدون تکیه‌گاه خود را آغاز نمود و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش یزد به پایان رساند و پس از پایان خدمت سربازی در مسابقه ورودی دانشکده (فلسفی) موفقیت حاصل نمود ولی به علت جوی که آن هنگام بر ارتش حکمفرما بود از پیوستن به آن انصراف یافت و با وجود استعداد و علاقه‌ای که به تحصیل داشت به علت تعهدات زندگی و وجود افراد تحت تکفلش ناگزیر بکار پرداخت و بطور موقت تحصیل را رها نموده و وارد وزارت دارایی گردید و در یزد به خدمت مشغول شد.

اسفندیار درویش در سال ۱۳۱۸ در خانواده‌ای ریشه‌دار و مسلمان که به علت مخالفت با خاندان منقور پهلوی از زندان به قزوین تبعید شده بودند در این شهر تولد یافت پس از وقوع شهریور ۱۳۲۰ همراه با خانواده خود به مازندران مراجعت کردند اسفندیار درویش تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در این استان به پایان رسانید و در همین هنگام با آرمانهای حزب ملت ایران آشنا شد.

محمد حسن نائینیان در سال ۱۳۰۴ در شهر همدان در خانواده‌ای با ایمان متولد گردید دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش همدان گذراند

دکتر عباس خاقانی پس از اخذ دکتری جامعه شناسی سیاسی در تیر ماه ۱۳۵۷ به ایران باز میگردد و همه جا در کنار دیگر مبارزان دسرنگونی نظام استبدادی وابسته به بیگانه فعالانه شرکت مینماید. در انقلاب اسلامی ملت ایران، در میان دانشگاهیان و دانشجویان چهره‌های شناخته شده دارد و پس از پیروزی انقلاب به فرمان

الله یار روئین تن

فاجعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزی سیاه و توم برای ملت ایران است در این روز همراه باستانان حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر با نیروهای نظامی تا پای جان می‌جنگد روزی که به روستای های تهران پر از مبارزان زخمی است، روزی فراوانی نشدنی که داریوش فروهر را سراپا خوئین به بیمارستان نجهیه برد- روز بعد پس از فراز از بیمارستان و تشکیل ستد پنهانی حزب ملت ایران روز یکم شهریور ماه نخستین اعلامیه ضد کودتا، به امضای داریوش فروهر را بیاری دیگر همزمان چاپ و پخش میکند. عباس خاقانی که تحت تعهد میب نیروهای شهبانی و فرمانداری-زانی بود به خوزستان میرود و مبارزه را ادامه میدهد. در نهمین مقاومت ملی، در تظاهرات خیابانی بر علیه انعقاد قرارداد سوسیوم، تظاهرات بر علیه پیمان ننگین « بغداد» جریان حمله امپریالیست روسیه-سوویتها به کانال سوئز همجا در کنار یاران مبارز است.

عباس خاقانی در سال ۱۹۷۳ رساله‌ای تحت عنوان «اسلام راستین» به زبان انگلیسی به رشته تحریر در آورد. پس از گذراندن دوره فوق لیسانس جامعه شناسی به پاریس آمد و رساله دکتری خود را در استادی ژاک برک اسلام شناس بزرگ فرانسه و رئیس دپارتمان جامعه شناسی اسلامی گذراند.

دکتر عباس خاقانی پس از اخذ دکتری جامعه شناسی سیاسی در تیر ماه ۱۳۵۷ به ایران باز میگردد و همه جا در کنار دیگر مبارزان دسرنگونی نظام استبدادی وابسته به بیگانه فعالانه شرکت مینماید. در انقلاب اسلامی ملت ایران، در میان دانشگاهیان و دانشجویان چهره‌های شناخته شده دارد و پس از پیروزی انقلاب به فرمان

الله یار روئین تن

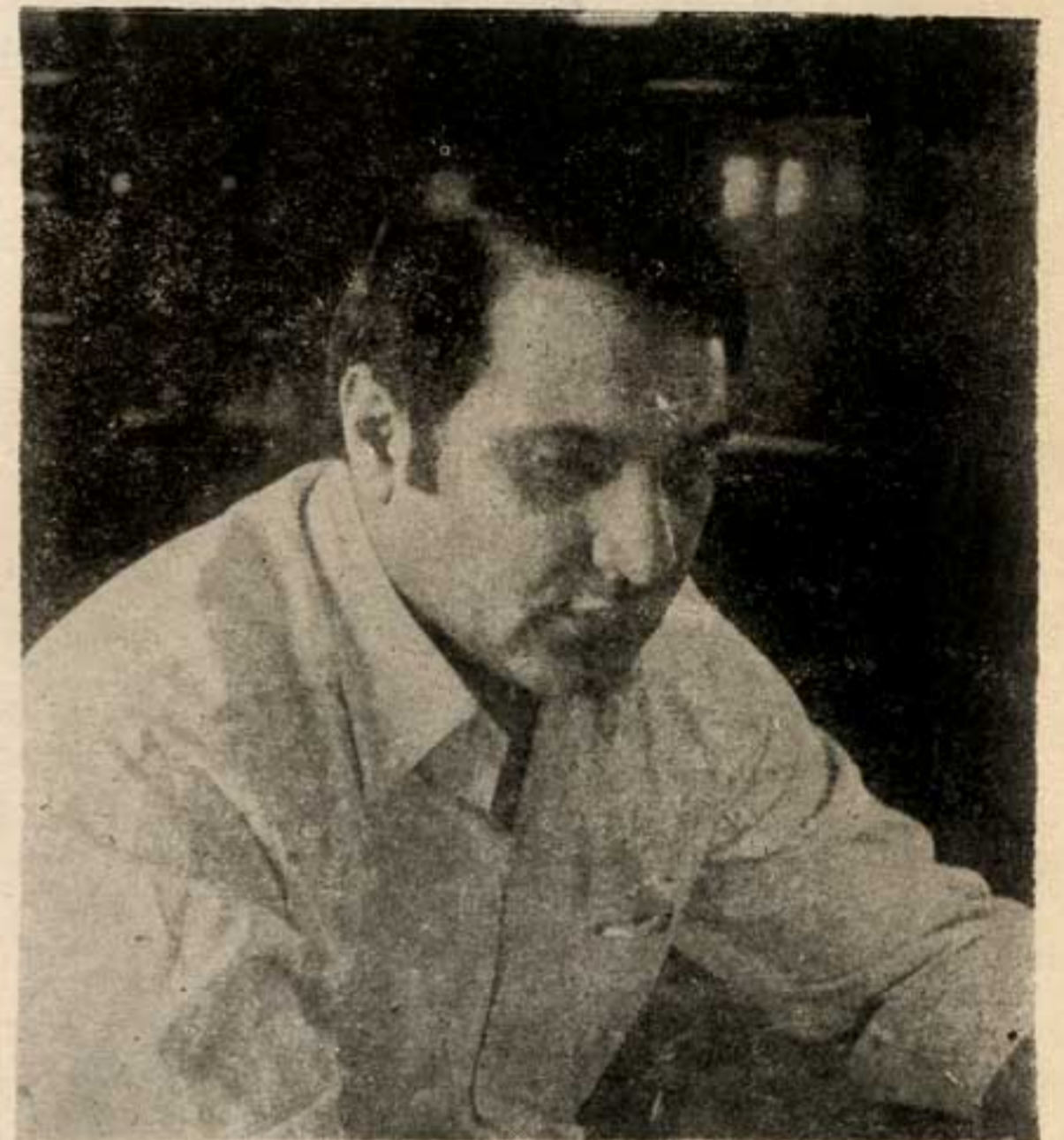
نامزدهای نمایندگی حزب ملت ایران در شهرستانها

ابراهیم اقبال آل آقا



باقیه از صفحه ۲
 بازنشسته شد و در دوران بازنشستگی نیز مدتی ریاست آموزشی دانشکده علوم کرمانشاه را به عهده گرفت و سپس مدت پنج سال بکار کشاورزی و دامداری اشتغال ورزید.
 ابراهیم اقبال آل آقا در تمام سالهای سیاه دیکتاتوری علیه نظام سلطنتی وابسته به بیگانه مبارزه نمود و پس از پیروزی مجلس شورای ملی از کرمانشاه میباید.

دکتر پرویز اطمینان



دکتر پرویز اطمینان ، در سال ۱۳۱۹ در شهر آبادان چشم به جهان گشود دوره دبستان و دبیرستان را در همین شهر گذراند

نوجوانی بیش نبود که شهر آبادان به آتش فشان مبارک نشدنی بدل گردید و مردمی که سالیان دراز زیر ستم استعمار بسربردند برهبری مصدق بزرگوار همراهدار هموطنان بیا خاستند و برای احقاق حقوق پایمال شدهی خود قیام کردند . این حوادث بر ذهن او بسختی اثر گذاشت . کودتای ۲۸ مرداد و قلع و قمع نیرو های ملی و تغییر فضای سیاسی مبین نیز بگونه دیگری در افکار و اندیشه هایش موثر افتاد

سر انجام در سال ۱۳۲۷ ، اوچ خلفان و سانسور به حزب ملت ایران پیوست و کوشش های پنهانی او آغاز گردید .

در سال ۱۳۳۹ ، هنوز بیگانه های دانشجویی با نام جبهه ملی اوج نگرفته بود که به اروپا رفت و تحصیلات خود را در رشته پزشکی در آلمان دنبال کرد .

همراه تحصیل او کوشش های سیاسی خود را ادامه داد و دندرتروکتیواعلامیهها و نشریاتی که از ایران می رسید و یا پیرامون رخداد های ایران تهیه می شد نقش چشمگیری داشت و شاید بهتر است گفته شود بیشتر اوقات زندگی او صرف بیگانه های سیاسی و شرکت در گردهم آئی ها می شد .

باتلاش جبهه ملی بود دکتر اطمینان از جمله کسانی بود که برابر سازمان یافتن جبهه ملی سوم برابر با رهنمود های مصدق کوشش فراوان کرد و در این رابطه

کوششهای انتخاباتی حزب ملت ایران

ملیت را دگرگون ساخت . تاریخ نشان داده است که در برابر ارادهی ملتها برای دست یافتن به استقلال و آزادی هیچ نیرویی توان ایستادگی ندارد و شما مردم دست در دست یکدیگر زن و مرد ، کوچک و بزرگ با هرنفشی اما با اعتقاد به اینکه پیروی از آموشهای والای اسلامی و آرمانهای ملی می تواند رهاییبخش ما باشد . و سرانجام ما بسا یگانگی و اتحاد بر بزرگترین دیکتاتوری جهان چیره شدیم و آزادی و استقلال بزرگترین دستاورد آن انقلاب خونین است .

و به یمن آزادی ما در مدت یک سال چهار بار به پای صندوق رای رفتیم و برغم همه توطئهها ، ناپسامانیها ، کمبود ها همبستگی ، حفظ شد . امروز بار دیگر میرویم تا بزرگترین گزینش این یکسال را که انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی بگونهی متعبدترین پایگاه مردمی برای حفظ استقلال و آزادی است انجام دهیم . این حساسترین وظیفه را هشیار باشیده که به بهترین شکل انجام دهیم ، اسیرانحصار طلبی آنها که مملکت را بجای ساختن و آباد کردن به روز کثونی نشانند که بیکاری بیداد می کند و قدرت گرایان برای حفظ اهرمهای قدرت آزادی های فری و اجتماعی را به سختی مورد حمله قرار دادند و برخلاف دستور صریح امام که برای همه نیروها و گروهها بارها و بارها خواهان آزادی بود با یورش به گردهم آیی ها و با توطئه و تزویر آزادی این دستاورد خونین انقلاب را خشنودار می کنند .

فروهر در دنباله این سخنان بسه انقلاب مشروطیت ، نهضت ملی شدن صنعت نفت و تداوم آن بانقلاب اسلامی ملت ایران اشاره کرد و چنین گفت : سرانجام پذیرش سبابت برپایهی این اعتقاد پیرین که زندگی جهان در راه عقیده است و پیوند رهبری قاطع امام با مردمی که بر سر امامانشان ایثار می کردند کار را بدانجا کشید که گروهها گروه به میدان آمدیم ، سینه سپر گلوله کردیم و بدیگر سخن اعتقاد دینی به وجدان ملی بدل شد و ملت در وجود یک تن تبلور یافت و آن یک تن سرنوشت

فرهوشی در این سخن ها را به همین دلیل آناهانه و از صمیم قلب به ایران عشق می ورزد و با شناخت کامل ، انقلاب اسلامی ملت را ، اصیل ترین حرکتی تاریخ بشری میدانند . ناصر تکمیل همایون در هم مبارزات سیاسی ایرانیان خارج از کشور شرکت داشت و در تمام این مدت با دوست خود آقای ابوالحسن بنی صدر نخستین رئیس جمهور منتخب کشور جمهوری اسلامی ایران همکاری کامل داشت و در انتشار خبرهای اختناق و نا انسانی های مبین و دفاع از زندانیان و انزوا و کلاهی بین المللی برای دفاع از آذن و تحقیق و مطالعه همه جانبه درباره اوضاع ایران وی را مددکاری صمیم بود . زمانی که شاه مخلوع در سرتاسر جهان درباره « کارنامه دهساله انقلاب سفید » تبلیغات براه انداخته بود و بخش عظیمی از بودجه مردم ایران را باین کار اختصاص میداد . کتابی بزبان فرانسه درباره « کارنامه جنایت دهساله شاه » انتشار یافت که در آن تعداد زندانیان ، تبعیدیان ، اخراجیان دانشگاهها ، کشته شدگان در زد و خورد های خیابانی ، اعدام شدگان مندرج گردید و با تحلیل دقیق ، دوره های دهساله مبارزاتی قهرمانان ملت ایران بررسی شد . این کتاب که در مجامع حقوقی و دموکراتیک جهان اثر فراوان باقی گذاشت ، توسط ناصر تکمیل همایون تهیه و تنظیم و تحریر شده بود .

ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۵۲ خورشیدی به اخذ درجه دکتری در رشته علوم تاریخی از دانشگاه پاریس نائل شد و پس از سه سال دکترای دوم خود را در رشته جامعه شناسی سیاسی از همان دانشگاه دریافت کرد و با اینکه جهت امرار هاش خانواد خود در کتابخانه ملی پاریس بکار اشتغال داشت ، شب و روز به حکم وظیفه هنگام با ایران دیگر به تلاشهای سیاسی می پرداخت و به غالب کشورهای جهان برای ایراد سخنرانی عزیمت میکرد ، اما هر دو دکترای خود را با بهترین و بالاترین درجه ها گرفت و از سوی دانشگاه پاریس و گلژو فرانس به همکاری علمی دعوت شد .

دکتر ناصر تکمیل همایون بازگشت به ایران را برمانند در اروپا و تدریس در دانشگاههای فرانسوی ترجیح داد . زمانی که مبارزات مردم ایران اندک ، اندک شکل انقلابی پیدا میکرد بدنبال نامه ای از دوست و برادر بزرگوار خود آقای داروش فروهر پس از سالها دوری از وطن ، به ایران آمد و در همان هفته های اول با شرکت در مراسم عید قربان در کاروانسرا سنگی شدیداً مجروح و مضروب و بستری گردید و نظام منفور پیشین مشکلات و ناراحتی های فراوانی برای او بوجود آورد .

دکتر ناصر تکمیل همایون که زندگی

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۵۲ خورشیدی به اخذ درجه دکتری در رشته علوم تاریخی از دانشگاه پاریس نائل شد و پس از سه سال دکترای دوم خود را در رشته جامعه شناسی سیاسی از همان دانشگاه دریافت کرد و با اینکه جهت امرار هاش خانواد خود در کتابخانه ملی پاریس بکار اشتغال داشت ، شب و روز به حکم وظیفه هنگام با ایران دیگر به تلاشهای سیاسی می پرداخت و به غالب کشورهای جهان برای ایراد سخنرانی عزیمت میکرد ، اما هر دو دکترای خود را با بهترین و بالاترین درجه ها گرفت و از سوی دانشگاه پاریس و گلژو فرانس به همکاری علمی دعوت شد .

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۵۲ خورشیدی به اخذ درجه دکتری در رشته علوم تاریخی از دانشگاه پاریس نائل شد و پس از سه سال دکترای دوم خود را در رشته جامعه شناسی سیاسی از همان دانشگاه دریافت کرد و با اینکه جهت امرار هاش خانواد خود در کتابخانه ملی پاریس بکار اشتغال داشت ، شب و روز به حکم وظیفه هنگام با ایران دیگر به تلاشهای سیاسی می پرداخت و به غالب کشورهای جهان برای ایراد سخنرانی عزیمت میکرد ، اما هر دو دکترای خود را با بهترین و بالاترین درجه ها گرفت و از سوی دانشگاه پاریس و گلژو فرانس به همکاری علمی دعوت شد .



دکتر ناصر تکمیل همایون

ناصر فرزند محمد علی در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در خانوادهای مذهبی و از لحاظ اقتصادی متوسط در شهر قزوین ، گلرک حاج سید جمال بخشید تولد شد و پس از بداندن تحصیلات ابتدائی ، زمانی که دانش آموز سال دوم دبیرستان علامه تهران بود به عضویت سازمان دانش آموزان حزب ملت ایران وابسته به جبهه ملی در آمد . وی در نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق جزو نیروهای فعال و مبارز دانش آموزی تهران بود که در ستین نوجوانی دستگیر و زندانی شد . او پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مبارزات خود را در نهضت مقاومت ملی تعقیب کرد و در دوران تجدید حیات جبهه ملی ایران در سال ۳۹-۴۱ دوسالانه دانشجویان دانشگاه تهران فعالیت سیاسی چشمگیری داشت . در همان سالهای اختناق با زادگاه خود در پیوند مستقیم سیاسی بود .

پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد نام مصدق را در مجله بزرگ از مردم قزوین بر زبان آورد و از طرف ساواک قزوین مورد تعقیب قرار گرفت و پیش از دستگیری شیان به تهران عزیمت کرد و فریاد آرزوی از دانشسرای عالی تهران (بخش جامعه شناسی) اخراج گردید و پس از مدتی در اسر فشار دانشجویان دوباره بدانشگاه آمد . یک بار هم بهنامیت یادآوری از شهیدان بخون خفته دانشگاه تهران در شانزدهم آذر ماه وی را از رفتن به کلاس درس بازداشتند . ناصر تکمیل همایون بسا داشتن اعتقادات محکم مذهبی و ملی بی هیچ ترس و واهمه ای تلاشهای خود را در خطمترقی ترین حرکتی سیاسی ایران ادامه میداد و به اتفاق چندتن دیگر از دانشجویان هم شهری خود « کانون دانشجویان قزوینی دانشگاه تهران » را بوجود آورد که نخستین اقدام این کانون ایجاد کتابخانه عمومی در شهر قزوین بود .

ناصر تکمیل همایون پس از پایان تحصیلات خود در رشته فلسفه و علوم تربیتی (لیسانس) و علوم اجتماعی (فوق لیسانس) ، پس از رازینی با رهبران نهضت ملی ایران و صوابدید دبیر حزب ملت ایران و شورای رهبری ، جهت پیوستن به نهضت دانشجویان ایران در خارج ، به عنوان کاردار یکی از دفاتر سازمان برون مرزی عازم سرزمینهای بیگانه شد . ناصر تکمیل همایون در مدت اقامت ۱۵ ساله خود به بسیاری از کشورهای اروپائی و امریکائی و افریقائی و خاور میانه مسافرت کرد و از نزدیک سازمانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آنها را مورد تحقیق قرار داد و بی آنکه تعصب داشته باشد ، بنیادهای اجتماعی کشور های سرمایه داری و کمونیستی شرقی و غربی ، اسلامی و غیر اسلامی جهان را شناسائی کرد و در مقام مقایسه و تطبیق با بنیاد-

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۵۲ خورشیدی به اخذ درجه دکتری در رشته علوم تاریخی از دانشگاه پاریس نائل شد و پس از سه سال دکترای دوم خود را در رشته جامعه شناسی سیاسی از همان دانشگاه دریافت کرد و با اینکه جهت امرار هاش خانواد خود در کتابخانه ملی پاریس بکار اشتغال داشت ، شب و روز به حکم وظیفه هنگام با ایران دیگر به تلاشهای سیاسی می پرداخت و به غالب کشورهای جهان برای ایراد سخنرانی عزیمت میکرد ، اما هر دو دکترای خود را با بهترین و بالاترین درجه ها گرفت و از سوی دانشگاه پاریس و گلژو فرانس به همکاری علمی دعوت شد .

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۵۲ خورشیدی به اخذ درجه دکتری در رشته علوم تاریخی از دانشگاه پاریس نائل شد و پس از سه سال دکترای دوم خود را در رشته جامعه شناسی سیاسی از همان دانشگاه دریافت کرد و با اینکه جهت امرار هاش خانواد خود در کتابخانه ملی پاریس بکار اشتغال داشت ، شب و روز به حکم وظیفه هنگام با ایران دیگر به تلاشهای سیاسی می پرداخت و به غالب کشورهای جهان برای ایراد سخنرانی عزیمت میکرد ، اما هر دو دکترای خود را با بهترین و بالاترین درجه ها گرفت و از سوی دانشگاه پاریس و گلژو فرانس به همکاری علمی دعوت شد .

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۵۲ خورشیدی به اخذ درجه دکتری در رشته علوم تاریخی از دانشگاه پاریس نائل شد و پس از سه سال دکترای دوم خود را در رشته جامعه شناسی سیاسی از همان دانشگاه دریافت کرد و با اینکه جهت امرار هاش خانواد خود در کتابخانه ملی پاریس بکار اشتغال داشت ، شب و روز به حکم وظیفه هنگام با ایران دیگر به تلاشهای سیاسی می پرداخت و به غالب کشورهای جهان برای ایراد سخنرانی عزیمت میکرد ، اما هر دو دکترای خود را با بهترین و بالاترین درجه ها گرفت و از سوی دانشگاه پاریس و گلژو فرانس به همکاری علمی دعوت شد .

پشتیبانی
 کانون ملی دانشجویان ایران ، با انتشار اعلامیه ای اعتقاد خود را به روش های حزب ملت ایران در رویدادهای سیاسی مبین مورد حمایت قرارداده و همچنین نامزدهای این حزب در انتخابات مجلس شورای ملی را سیاستی احزاب تمام نمایندگی دانسته است .

یابنده ایران
 ای آفریدگار بالا!
 ترا پرستش می کنم و از تو یاری می جویم
فراخوان
 شایسته است روز پنجشنبه بیست و سوم اسفندماه ساعت ۶ بعد از ظهر همه کسانی که در کمیته تهران ستاد انتخاباتی حزب و پایگاههای آن کوشش دارند ، برای گرفتن آموزشهای لازم در تالار سخنرانی فرارگاه مرکزی حزب حضور بهم رسانند .

سازمان شهرستان تهران
 حزب ملت ایران

مهندس ایرج مومنی ، که از نوجوانی در راه آرمانهای ملی و ایمانی مبارزه کرده نامزد حزب ملت ایران برای نمایندگی مجلس شورای ملی قائم شهر است

دکتر ناصر تکمیل همایون در سال ۱۳۵۲ خورشیدی به اخذ درجه دکتری در رشته علوم تاریخی از دانشگاه پاریس نائل شد و پس از سه سال دکترای دوم خود را در رشته جامعه شناسی سیاسی از همان دانشگاه دریافت کرد و با اینکه جهت امرار هاش خانواد خود در کتابخانه ملی پاریس بکار اشتغال داشت ، شب و روز به حکم وظیفه هنگام با ایران دیگر به تلاشهای سیاسی می پرداخت و به غالب کشورهای جهان برای ایراد سخنرانی عزیمت میکرد ، اما هر دو دکترای خود را با بهترین و بالاترین درجه ها گرفت و از سوی دانشگاه پاریس و گلژو فرانس به همکاری علمی دعوت شد .

